

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شتر

دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ • ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ • ۲۴ آگوست ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۸۰۵۴۵۸ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۰۲ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۳۱

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

ما غسالان آخرین دکان این بازار بی‌هنریم

سوکندر فیعی

است که نباید و بگوید خسته نشاید». او امید خود را به کارزارهای در حال امضا این‌گونه مطرح کرد: «در عصر آگاهی و اطلاعات با عنوان دهکده جهانی، ناامیدی سخت است، نه امیدواری. اگر دادی هست، قطعاً دردی هم هست که باید آن را معاینه کرد و به آن پرداخت. سازمان بهشت زهرا تقریباً آن حقوقی را که تعریف شده سر موعِد ریخته اما نیروی خود را در راستای تکريم و احترام قرار نداده است. به‌طور کلی ما آخرین دکان این بازار بی‌هنریم». غسالخانه‌ای که دیده نمی‌شود و غسالی که شنیده نمی‌شود و کارزاری برای حمایت، کارزاری که خود غسالان نیز به آن امید نداشتند، تا این لحظه بیش از دوهزارو ۵۰۰ امضا را به خود اختصاص داده است، نامه‌ای برای مسئولان ارسال کرد و در دبیرخانه ثبت رسمی شد.

سونیا مظفری، نویسنده کارزار «مطالبه حمایت از کارکنان غسالخانه بهشت زهرا(س)» از علت نوشتن این کارزار می‌گوید: «روز ۳۱ خرداد ۱۴۰۵، به‌طور اتفاقی گزارش خبرگزاری‌ای را درباره تجمع کارکنان غسالخانه بهشت زهرا دیدم. عنوان و محتوای گزارش، من را تحت تأثیر قرار داد؛ مخصوصاً زمانی که صحبت از حذف مزایای مزدی، اضافه‌کاری و در کنار آن نگرانی درباره امنیت شغلی کارکنانی بود که در یکی از سخت‌ترین و فرساینده‌ترین محیط‌های کاری خدمت می‌کنند. چیزی که بیشتر از همه من را تحت تأثیر قرار داد، جنبه انسانی ماجرا بود. با خودم فکر کردم ما هر روز از خدمات خیلی زیادی استفاده می‌کنیم، اما کمتر به آدم‌هایی فکر می‌کنیم که پشت این خدمات هستند، مخصوصاً کسانی که در غسالخانه یا فحاری قبور کار می‌کنند و هر روز با شرایطی مواجه‌اند که از نظر جسمی و روحی برای بسیاری از ما بسیار دشوار است». او از هدف خود برای نوشتن این کارزار گفت: «من هیچ ارتباط سازمانی یا منفعت شخصی از این موضوع نداشتم. فقط احساس کردم اگر صدای این افراد شنیده نمی‌شود، شاید من بتوانم حداقل کاری کنم که مطالبه‌شان دیده شود. به همین دلیل تصمیم گرفتم کارزاری را راه‌اندازی کنم. از ابتدا هم هدف این نبود که علیه شخص یا مجموعه خاصی موضع بگیرم یا درباره صحت و سقم همه جزئیات اداری و حقوقی حکم صادر کنم. مطالبه من روشن بود و هست که اگر مزایایی حذف

یادداشت

اقلیم تغییر کرده، تصمیم‌های ما نه

محمدحسین شیخ‌محمدی

بژوهشگر علوم محیطی و گیاهی

و مناسبات اجتماعی مناطق مختلف را تحت تأثیر قرار دهد. خطر اصلی در همین پیوندهاست. بحران آب می‌تواند به بحران تولید برسد، افت تولید به افزایش قیمت غذا و فشار بر معیشت منجر شود و فشار بر منابع و معیشت، پیامدهای اجتماعی به دنبال داشته باشد. تغییر اقلیم همیشه بحران تازه‌ای نمی‌سازد؛ گاهی همان بحران‌های قدیمی را به هم متصل می‌کند و اثر آنها را چند برابر می‌کند. کشاورزی نمونه روشنی است. افزایش دما می‌تواند زمان گل‌دهی و رسیدگی محصول، طول فصل رشد و نیاز آبی را تغییر دهد و تغییر در مقدار و زمان‌بندی بارش نیز آب در دسترس کشاورزی را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان فقط بر اساس تجربه اقلیم گذشته تصمیم گرفت چه محصولی در کجا کشت شود، چه رقمی انتخاب شود یا چه میزان آب به آن اختصاص پیدا کند. محصولی که سال‌ها در یک منطقه عملکرد مناسبی داشته، ممکن است با تغییر اقلیم دیگر همان عملکرد یا توجیه اقتصادی را نداشته باشد. با این حال، مسئله به کشاورزی محدود نمی‌شود؛ همین منطق درباره شهر، صنعت، انرژی و زیرساخت نیز صادق است. یک کارخانه، نیروگاه، شهرک یا زیرساخت‌های مهمی است امروز از نظر اقتصادی کاملاً توجیه‌پذیر باشد، اما اگر شرایط اقلیمی چند دهه آینده در محاسبات آن دیده نشده باشد، بخشی از منطق اقتصادی آن بر فرضی بنا شده که شاید دیگر معتبر نباشد. ممکن است تصمیمی امروز اقتصادی به نظر برسد، اما در اقلیم فردا ورشکسته متولد شود. مسئله اصلی سیاست‌گذاری همین‌جاست. مشکل فقط این نیست که «ریسک اقلیمی» تازه‌ای به فهرست ریسک‌های کشور اضافه شده؛ مسئله عمیق‌تر است؛ ممکن است خط منبئایی که براساس آن تصمیم می‌گیریم دیگر معتبر نباشد.

۸۰۰ میلیارد دلار

معاون وزیر صنعت و رئیس سازمان معادن و اکتشافات معدنی کشور گفت: ایران با داشتن حدود یک درصد جمعیت، رتبه پنج از ذخایر معدنی دنیا را در اختیار دارد که ارزش آن حدود هشت‌دهم تریلیون دلار یا ۸۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. ذخایر اثبات‌شده طلا در ایران حدود ۳۰۰ تن است که سالی ۱۰ تن از ذخایر طلا استخراج می‌شود. بررسی و مطالعات در مناطق امیدبخش یا تپ‌های کانادایی در شمال غرب، شمال شرق، شمال شرق، غربی، مشهد، خراسان جنوبی و بخشی از کردستان است. تاکنون ۶۰ تا ۶۷ میلیارد تن ذخایر اثبات‌شده معادن در کشور داریم که ۸۱ نوع ماده معدنی داریم. سالانه ۷۰۰ تا ۷۵۰ میلیون تن ماده خام کانسنگ تولید می‌شود و هر سال با اکتشافات جدید به ذخایر معادن اضافه می‌شود.



عملیات اجرای حکم قطعی دادگاه برای قلع‌وقمع و اعاده به وضع سابق یک ساختمان ۱۰طبقه و ۳۰ واحدی غیرمجاز در پلاک ۲۰ منطقه میگون شمیرانات آغاز شد. بنایی که در عرصه‌ای به مساحت حدود سه‌هزارو ۶۵۰ مترمربع از اراضی ملی احداث شده و ارزش آن بیش از دو هزار میلیارد تومان برآورد شده است. عکس: مهرداد اصفهانی، میزان

گزارش خوانی

ماوهوش مصنوعی

تکلیف ما با هوش مصنوعی مشخص نیست؛ از یک سو برخی در حال تحسین توانایی‌های این پدیده هستند، عده‌ای در حال حذردادن از قدرت‌گرفتن آن هستند و عده‌ای دیگر مدام درباره نحوه استفاده از آن هشدار می‌دهند.

از یک طرف هشدار می‌دهند که به‌عنوان مشاوار و پزشک از آن مشورت نگیرسد. از آن طرف یک مدیر سابق اوپن‌ای‌آی درباره اهمیت آن در پزشکی تاکید کرده است: «من باور دارم که هوش مصنوعی می‌تواند تمامی بیماری‌ها را درمان کند، اما فقط در صورتی که زیرساخت‌های لازم برای تبدیل این هوش به درمان‌های واقعی را با همان سرعتی به‌سازیم که مدل‌ها پیشرفت می‌کنند». از یک طرف در مدل جدید آن علامت‌گذاری انجام شده تا متن‌های آن شناسایی شود

و خبر آمده که چند مدل هوش مصنوعی برای کاربران ۱۳ تا ۱۷ساله و افرادی که سامانه آنها را زیر ۱۸ سال تشخیص دهد، حالت ویژه نوجوانان را فعال می‌کند تا همه چیز کنترل بیشتری شود. از طرفی به‌تازگی نظرسنجی‌ای از هفت‌هزارو ۲۰۰ نوجوان منتشر شده که اطلاع جالبی را بیان می‌کند. بیش از یک‌چهارم پاسخ‌دهندگان (۲۷ درصد) گفته‌اند از این فناوری مانند یک دوست استفاده می‌کنند و این نشان‌دهنده تغییر دیدگاه از هوش مصنوعی به‌عنوان یک ابزار ساده وظیفه‌محور به منبعی برای حمایت عاطفی و همراهی است. این میان بحث جنگ بین مطرح شده است. ایران در چند بخش به‌شدت از این موضوع آسیب دید؛ هم در زمینه شناسایی چهره‌های مهم که به ترورشان انجامید و هم در زمینه تحلیل اطلاعات و واسپاری عملیات به هوش مصنوعی. البته پاپ هشدار داده است که نمی‌توان نظریه جنگ عادلانه را کنار گذاشت؛ زیرا در مواجهه با پیشرفته‌ترین تسلیحات، هیچ زبان اخلاقی دیگری جز همان ادبیات سنتی وجود ندارد. مشکل از خود اصول نیست، بلکه از نحوه تطبیق آنها با نبردهای مدرن است. پیش‌تر در تحلیل جنگ‌های نیابتی این مسئله مطرح بود که چگونه واسطه‌ای شدن نبرد، چالش‌های جدیدی ایجاد می‌کند.

در محبت خلافت و هنر نیز جای پای هوش مصنوعی بدجوری مشهود است. چند سال پیش هنرمندان هالیوود روزها به خاطر تأثیر هوش مصنوعی اعصاب کردند. اما حالا بررسی آگهی‌های استخدام استودیوهای بزرگ هالیوودی نشان می‌دهد که صنعت سینما، با وجود اختلافات علنی بر سر هوش مصنوعی و نگرانی‌های مربوط به حقوق مؤلف و اشتغال، به‌طور فزاینده‌ای در حال ادغام این فناوری در فرایند تولید فیلم است. به گزارش «لس‌آنجلس تایمز»، بیش از ۱۰ درصد از حدود ۲۵۰ فرصت شغلی منتشرشده توسط استودیوهایی مثل «ماژورن ام‌جی‌ام»، «دیزنی»، «وونیرسال»، «نتفلیکس»، «پارامونت»، «برادران وارنر» و «سونی» در اواخر ژوئن، به‌طور مستقیم با هوش مصنوعی مرتبط بوده‌اند. کارشناسان می‌گویند این نشان می‌دهد پذیرش هوش مصنوعی از مرحله آزمایش گذشته و اکنون به بخشی از فعالیت‌های روزمره استودیوها تبدیل شده است. این اتفاق در زمینه فوتبال هم رخ داده است؛ به‌طوری که شالکه در آلمان در حال ورود جدی‌تر به دنیای هوش مصنوعی است و پس از دو سال سرمایه‌گذاری درصدد است از هوش مصنوعی در بخش‌هایی مثل استعدادیابی، آنالیز مسابقات، توسعه ابزارهای مدیریت داخلی و حتی ارتباط با هواداران استفاده کند. اما شاید خبر بهتر این باشد که نشان می‌دهد هوش مصنوعی به‌جای نابودی کامل مشاغل، بیشتر وظایف خاص را جایگزین می‌کند و این امر ریسک بیکاری گسترده را کاهش داده است. بررسی‌ها در ۲۰۶ صنعت نشان داده که نرخ اشتغال در صنایع پرمخاطب با AI تقریباً ثابت مانده و کاهش ساعت کاری یا بیکاری گسترده‌ای رخ نداده است. استتانهای مهم شامل بخش‌های فناوری اطلاعات، بیمه و امور مالی است که با کاهش تقاضا برای نیروی کار مواجه شده‌اند.

در ایران نیز این روند به شکلی دیگر در حال تکرار است. دانش‌آموزان در مدارس به نحوی قرار است آموزش ببینند و برخی مسئولان حتی برای مواردی عجیب هم ادعای استفاده از هوش مصنوعی را دارند. چند وقت پیش هم نحوه استفاده ایرانی‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. این نکته را باید در نظر گرفت که مردم از چت‌بات‌ها درباره سلامت، پول، کار و روابطشان سؤال می‌کنند و در نتیجه ممکن است سابقه‌ای بسیار صمیمی‌تر از نگرانی‌ها و دغدغه‌هایشان شکل بگیرد.

روزها

برای پزشکانی که طیب جان‌اند



بیژن عابدیان

گاهی فکر می‌کنم پزشک‌بودن در این سرزمین فقط داشتن یک تخصص، یک شماره نظام پزشکی و یک اتاق معاینه نیست. پزشک‌بودن در روزهای عادی شاید حرفه باشد، اما در روزهای سخت معنای دیگری پیدا می‌کند. آنجا که جامعه گرفتار جنگ، بحران، بیماری، اضطراب و تنگنای اقتصادی می‌شود، پزشک دیگر فقط درمانگر جسم نیست؛ باید طیب جان مردم هم باشد.

می‌خواهم روز پزشک را به همکارانم تبریک بگویم، اما نه‌فقط برای دانش پزشکی‌شان، نه‌فقط برای مهارت دست و تشخیص درست و نه‌فقط برای سال‌هایی که در دانشگاه و بیمارستان و اتاق عمل گذرانده‌اند. می‌خواهم به پزشکانی تبریک بگویم که در دهه‌های دشوار گذشته، در جنگ‌ها و بحران‌های مکرر، آرام و بی‌هیاهو کنار مردم ایستادند. بسیاری از آنها شب‌هایی را به صبح رساندند که فرصت خوابیدن نداشتند و روزهایی را پشت سر گذاشتند که کسی از حالشان نپرسید، اما آنها همچنان حال بیمارانشان را پرسیدند.

به تو همکار عزیزم تبریک می‌گویم که از دام دنیای چسبناک و وسوسه شهرت و قدرت و ثروت در بسیاری از مواقع جستی. تبریک می‌گویم که گاهی چند شبانه‌روز نخوابیدی و خستگی را به جان خریدی و آخ نگفتی. تبریک می‌گویم که عادت کردی با بیمار نشوی یا اگر شدی آن را چندان جدی نگیری و به سر کار بروی. مرخصی استعلاجی دیگری را امضا کردی و شاید کمتر پیش آمده که برای خودت چنین مرخصی‌ای بخواهی. تبریک می‌گویم که هر جا جنگ قدرت درگرفت، یک قدم کنار کشیدی و حاضر نشدی برای تصاحب یک صندلی از شان خودت کم کنی.

تبریک می‌گویم که من گاهی دین را در رفتار تو دیدم تا در ادعاهای کسانی که بیشتر از تو درباره دین سخن می‌گفتند. تبریک می‌گویم که امکانات مراکز درمانی را برای خودت نخواستی. گاهی آخرین نفری بودی که آزمایش دادی، آخرین نفری بودی که به سونوگرافی رفتی و سهمت را به دیگران بخشیدی. تبریک می‌گویم که تعصب نداشتی. روحیه علمی‌ات به تو آموخت که حتی سخن مخالف را بشنوی، نقد را بپذیری و اگر حقیقت جایی دیگر است، نظر خودت را اصلاح کنی.

تبریک می‌گویم که گاهی حداقل دستمزد را گرفتی و حداکثر توانت را گذاشتی. تبریک می‌گویم که نام پزشکی ایران را در بخش‌هایی از جهان بلند کردی؛ آن را می‌توان در شهادت هم‌وطنانی که دید که سال‌هاست از کشورهای مختلف دوباره به درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های همین سرزمین پناه می‌آورند و هنوز به دست پزشک ایرانی اعتماد دارند. تبریک می‌گویم که اهل فرهنگ و ادب و موسیقی و هنری نبی‌آنکه برای آن ادعا داشته باشی. تبریک می‌گویم که صراحت لهجه‌ات را در بیان حقیقت از دست ندادی و محافظه‌کاری را به بهای آسودگی انتخاب نکردی.

شاید با بعضی سیاست‌ها موافق نبودی، شاید با بسیاری از تصمیم‌ها اختلاف نظر داشتی، شاید از شرایط اقتصادی و اجتماعی گله‌مند بودی، اما در لحظه‌ای که انسانی بیمار روی تخت بود، اختلاف‌ها کنار رفت و آنچه باقی ماند یک انسان رنجور بود و یک پزشک ماهر. پزشکانی که در این ۵۰ سال، ایران از دشوارترین دوره‌های تاریخ معاصر یک شغل نیست.

من می‌خواهم یک بار از صمیم جان روزت را تبریک بگویم. به خاطر چیزی بزرگ‌تر؛ به خاطر اینکه طیب جانی و همچنان بر این مدار بمانی.